

پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین

احمد رضا کیانی*^۱، محمود محمدی رازی^۲

۱. دکتری مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

a.kiani@uma.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه محقق اردبیلی

mahmudmohamadi00gmail.com

تاریخ دریافت: [۹۸/۱/۱۶]

تاریخ پذیرش: [۹۸/۹/۲۳]

چکیده

هدف از این پژوهش پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. ابزارهای این پژوهش شامل: تجربیات ناگوار کودکی ACEs، رفتارهای دلبستگی، ادراک ازدواج والدین، رضایت از ازدواج و پرسشنامه فرم کوتاه الگوهای ارتباطی، که بر روی تعداد ۴۰۰ آزمودنی (۲۰۰ زوج) در شهر بجنورد انتخاب شده بودند اجرا گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت، به دلیل اینکه جامعه از تعداد بالایی برخوردار بوده و اطلاعاتی از تمامی این افراد در دست نبود، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ادراک فرد از ازدواج والدین و ادراک از ازدواج خود و همچنین رضایت‌مندی از ازدواج معناداری و مثبت بودن رابطه را نشان می‌دهد. ادراک فرد از ازدواج خود با دلبستگی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته، همچنین رابطه رویدادهای ناگوار کودکی با ادراک از ازدواج خود رابطه منفی و معنا داری وجود داشته است و در نهایت رابطه ادراک از ازدواج خود و الگوهای تبادل نیز نشانگر وجود رابطه منفی و معنادار است. نتیجه‌گیری: از این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین پیش‌بینی‌های خوبی در رضایت‌مندی از ازدواج فرد می‌باشند.

کلید واژه‌ها: رضایت‌مندی از ازدواج، تجربیات ناگوار کودکی، دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک

مقدمه

ازدواج ارتباطی اساسی و زیربنایی بین زن و مرد است و نوعی تعهد محکم است که پایه‌ای برای بزرگسالی فراهم می‌آورد (عباس، عقیل و همکاران، ۲۰۱۹). سازگاری زناشویی در ازدواج از اهمیت اساسی برخوردار است و از آنجاکه سازگاری زناشویی ضعیف منبع عظیمی از استرس‌های مزمن را با خود به همراه دارد، می‌تواند باعث آشفتگی روان‌شناختی زوجین شود (وایزمن و باکم، ۲۰۱۲). رضایت از ازدواج به ارزیابی شخص از میزان رضایت از زندگی خود گفته می‌شود (پاووت و داینر، ۲۰۰۸). رضایت از ازدواج عبارت است از: احساس خشنودی و لذت تجربه شده توسط زن و مرد زمانی که به همه جنبه‌های ازدواجشان فکر می‌کنند (عطاری و همکاران، ۱۳۹۵) گریف در تعریف رضایت زندگی زناشویی اظهار می‌کند که زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق

زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی‌اند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می‌کنند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از عواملی که می‌تواند سلامت روانی بعدی افراد و حتی رضایت از زندگی آنها را پیش‌بینی کند، تجربیات ناگوار کودکی می‌باشد (هوگز و بلیس و هاردکستل و همکاران، ۲۰۱۷). تجربیات ناگوار کودکی^۱ (ACEs) استرس‌زاهای ضربه‌زایی هستند که وقتی در طول دوران کودکی تجربه می‌شوند، تاثیر منفی فراوانی بر سلامت رفتاری بزرگسالان می‌گذارند (آندا، فلیتی، برمر و همکاران^۲، ۲۰۰۶). این تجربیات شامل سوء‌آزار کلامی، فیزیکی و جنسی توسط مراقب، سوءاستفاده یا استفاده غلط والدین از مواد، خشونت ارتباطی والدین و زندانی شدن والدین می‌شود که اغلب با هم رخ می‌دهند و ارتباط قدرتمندی با مشکلات رفتاری (مثلاً افزایش تعداد تجربیات ناگوار کودکی، پیامدهای منفی را نیز افزایش می‌دهد) دارند. (آندا و همکاران، ۲۰۰۶؛ شونکوف^۳، ۲۰۱۶). محققان نشان داده‌اند که این تجربیات با مشکلات سلامت روان در کودکان و بزرگسالان ارتباط دارند (الداجی، ماکانجولا و گوریچ^۴، ۲۰۱۰) و یکی از عوامل مهم در کارکرد روابط عاشقانه (آماتو و باس، ۲۰۰۲) و رضایت زناشویی فرد در آینده و ازدواج می‌باشد و مردانی که در روابط خود، رفتارهای خشونت‌آمیز داشتند، اغلب این تجربیات ناگوار و خاصه سوء‌آزار را در دوران کودکی تجربه کرده بودند (کرافت و سروویچ، ۲۰۰۵). برای مثال، روزنباوم و اوهلری (۱۹۸۱) در یک مطالعه با هدف مقایسه شوهراان آزارگر از غیرآزارگر نشان داده‌اند که ۸۰ درصد شوهراان آزارگر، در خانواده مبدأ خودشان قربانی آزار بوده‌اند و ۸۲ درصد از آنها شاهد آزار بین پدر و مادرشان بوده‌اند.

یکی دیگر از عواملی که در رضایت زناشویی تأثیر به‌سزایی دارد، رفتار دلبستگی^۵ افراد می‌باشد (آلدر، یورگاسون و همکاران، ۲۰۱۷). رفتارهای دلبستگی (دسترس‌پذیری، پاسخگویی و تعهد^۶) به مکانیزمی گفته می‌شود که باعث می‌شود امنیت و رضایت در رابطه به وجود بیاید و باعث حفظ دلبستگی ایمن و سالم می‌شود (ناپ، ساندبرگ و همکاران^۷، ۲۰۱۵). دلبستگی نایمن با افسردگی و سازگاری زناشویی منفی، رفتار چسبنده و وابسته و سطح بالاتر آشفتگی زناشویی ارتباط دارد (موندر، مک‌داف، لوسیر و رایت^۸، ۲۰۱۱). این دلبستگی ریشه در خانواده مبدأ فرد دارد و نقش مهمی در رضایت و کارکرد روابط آتی فرد دارد (آلدر و همکاران، ۲۰۱۷). بالبی (۱۹۶۹) دسترس‌پذیری و پاسخگویی را به‌عنوان دو رفتار اساسی در نظر گرفته بود که باعث ایجاد حس ایمنی و آسایش در ارتباط می‌شود و نبود این دو رفتار باعث ایجاد اضطراب و آشفتگی در ارتباط می‌شود. دسترس‌پذیری بدین معنی است که نماد دلبستگی در موقع نیاز موجودیت دارد و پاسخگویی به معنی توجه به نیازهایی است که شریک در پی ارضاء آنها می‌باشد. در کنار این دو رفتار، رفتار سومی برگرفته از مدل متمرکز بر هیجان (جانسون و ویلیامز-کیلر، ۱۹۹۸) به نام تعهد وجود دارد که باعث ابقاء دلبستگی ایمن می‌شود. تعهد نوعی فرایند ارتباطی پرورش‌دهنده و آرامش‌دهنده است که در زمان آشفتگی و نیازمندی شریک به رابطه رخ می‌دهد. در نتیجه، سه مولفه مهم و کلیدی دسترس‌پذیری، پاسخگویی و تعهد، به عنوان مولفه‌های اصلی خلق دلبستگی ایمن در نظر گرفته می‌شوند (جانسون، ۲۰۰۴).

ادراک فرد از ازدواج والدین می‌تواند بر رضایت زناشویی وی تأثیر بگذارد (آلدر و همکاران، ۲۰۱۷). یعنی اگر فردی ادراکش این باشد که والدینش زندگی رضایت‌بخشی داشته‌اند، این ادراک می‌تواند با رضایت زناشویی جاری خود فرد ارتباط مثبتی داشته باشد. تحقیقات نشان داده که تأثیرات خانواده مبدأ بر روابط بعدی فرزندان در ازدواج شایان توجه است (استرید، گاردنر، کتلی و توماس^۹،

1. Adverse Childhood Experiences
2. Anda, Felitti, Bremner
3. Shonkoff
4. Oladeji., Makanjuola, &Gureje
5. attachment behaviors
6. accessibility, responsiveness, and engagement
7. Knapp, Sandberg, Novak, & Larson
8. Mondor, McDuff, Lussier, & Wright
9. Stride, Gardner, Catley, & Thomas

۲۰۱۵). آماتو و باس (۲۰۰۱) دریافتند که هم تعارض‌های موجود در خانواده مبدأ و هم وضعیت زناشویی والدین، می‌توانند رضایت زناشویی آتی دخترانشان را پیش‌بینی کند.

تحقیقات نشان داده که سبک‌ها و الگوهای تعاملی زوجین یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند (ابراهیمی و کیمیایی، ۲۰۱۴). زوجین در هنگام حل مسائل به دو سبک رایج متوسل می‌شوند. این دو سبک شامل تقاضا و کناره‌گیری^۱ می‌شود (کریستینسن و همکاران، ۲۰۰۶) که در این الگوی تعاملی یکی از زوجین در جستجوی بحث در مورد مشکل و تغییر مشکل است و دیگری سعی در اجتناب از تعارض دارد. این الگوی تقاضا-کناره‌گیری ارتباط قدرتمندی را رضایت زناشویی دارد (دوناتو و همکاران، ۲۰۱۳). این الگو از دامنه‌ای بین الگوی مخرب ارتباطی گرفته تا الگوی سازنده در نوسان می‌باشد و مطابق با تحقیقات این الگو با کژکاری ارتباطی (الدردیج و همکاران، ۲۰۰۷) و ناسازگاری فردی ارتباط دارد (مالیس و رولوف^۲، ۲۰۰۶) و بر طبق گفته درمانگران ارتباطی نقش برجسته‌ای در کارکرد معیوب زوجی دارد (شوهام و روهرباخ^۳، ۲۰۰۲). با توجه به موارد ذکر شده در بالا، هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین می‌باشد.

ابزارهای پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود، که از نظر هدف بنیادی است. داده‌ها از طریق توزیع، تکمیل و گردآوری پرسش‌نامه‌های روا و پایایی هر کدام از عوامل روان‌شناختی مورد نظر به دست آمد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین شهر بجنورد می‌باشد، که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۴۰۰ تن (۲۰۰) زوج انتخاب شدند. و با رعایت تمام جوانب اخلاقی تمامی پرسشنامه‌ها به صورت دو به دو بین آقا و خانم توزیع گردید و هر زوج بر حسب کد مشخص شده به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند تا جوانب راز داری رعایت گردد. داده‌های خام با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

ابزار تجربیات ناگوار کودکی^۴ (ACES): این پرسش‌نامه توسط مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌های آمریکا و بنیاد کایزر (بلیس، هوگز، لیکنبی، ۲۰۱۴) طراحی شده است و شامل ده سوال می‌باشد که هر کدام یک بعد از تجربیات ناگوار کودکی را می‌سنجند. این ده بعد شامل موارد زیر می‌شود: سوء‌آزار هیجانی، سوء‌آزار جسمانی، سوء‌آزار جنسی، غفلت هیجانی، غفلت جسمانی، خشونت خانگی، مصرف مواد والدین، زندانی شدن والدین، بیماری روانی والدین و طلاق والدین می‌شود. پاسخگویی به سوالات به صورت «بلی» و «خیر» می‌باشد و پاسخ مثبت نشانه وجود آن تجربه در فرد در ۱۸ سال اول زندگی می‌باشد. مجموع نمرات در دامنه بین صفر تا ۱۰ قرار دارد و نمره بالاتر نشانه وجود تجربیات ناگوار بیشتر در فرد است. یکی از سوالات برای نمونه بدین صورت است: «آیا در ۱۸ سال اول زندگی، در بین اعضای خانواده شما کسی افسردگی یا بیماری روانی یا گرایش به خودکشی داشت؟». پرسشنامه تجربیات ناگوار کودکی ابزاری پایا و روا برای اندازه‌گیری دشواری‌ها و مشکلات دوران کودکی است و در مطالعات گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است (آندا، بوچارت و فیلتی، ۲۰۱۰؛ مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌ها، ۲۰۱۴). این پرسش‌نامه ابزاری معتبر و صرفه-جویانه برای سرند افراد از طریق ارزیابی گذشته‌نگرانه تجربیات ناگوار کودکی است و از همسانی درونی رضایت‌بخشی برخوردار است (وینگنفلد، شافر، ترفر و همکاران، ۲۰۱۰). از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. پایایی کل پرسشنامه ۰/۷۴ و در خرده مقیاس‌ها به ترتیب موارد ذکر شده:

1 . demand-withdraw

2 . Malis & Roloff,

3 . Shoham & Rohrbaugh

4. Adverse childhood Experiences

۰/۶۹، ۰/۷۲، ۰/۷۹، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۸۵، ۰/۷۷، ۰/۷۰، ۰/۶۶ و ۰/۷۵ در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌دست آمده است.

رفتارهای دلبستگی^۱: این مقیاس توسط ساندربرگ و همکاران (۲۰۱۲) ساخته شده است و شامل سه بعد دسترس‌پذیری، پاسخگویی و تعهد می‌شود. نمونه سوالات برای هر بعد شامل «من خیلی کم در دسترس همسرم هستم» (دسترس‌پذیری)، «وقتی همسرم عمیق‌ترین احساساتش را با من در میان می‌گذارد، به وی گوش می‌دهم» (پاسخگویی) و «به سختی می‌توانم به همسرم اعتماد و اتکا کنم» (تعهد) می‌شود. پاسخ‌ها در یک مقیاس لیکرتی در دامنه‌ای بین هرگز درست نیست (۱) تا همیشه درست است (۵) در نوسان است. هر خرده‌مقیاس دو سوال دارد و کلاً شامل ۱۲ سوال می‌باشد؛ شش سوال ادراک فرد از رفتار دلبستگی خودش را می‌سنجد و شش سوال ادراک فرد از دلبستگی همسرش به وی را می‌سنجد. نمره پائین‌تر در این مقیاس نشانه دلبستگی مثبت‌تر است. در نسخه اصلی، آلفای کرونباخ این مقیاس از ۰/۶۶ تا ۰/۸۵ گزارش شده و نمره بازآزمایی در دامنه‌ای بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ گزارش شده است (ساندربرگ و همکاران، ۲۰۱۶). از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. پایایی این پرسش‌نامه ۰/۷۸ با استفاده از آلفای کرونباخ به‌دست آمد.

ادراک ازدواج والدین^۲: این مقیاس شامل سه سوال می‌شود که از آزمودنی خواسته می‌شود تا میزان موافقت خود را با هر کدام از عبارات در دامنه‌ای بین کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه‌بندی کنند. برای مثال یک عبارت این است: «مادرم ازدواج شادی داشت». نمره بالاتر در این مقیاس نشانه ادراک مثبت‌تر از ازدواج والدین می‌باشد. در تحقیق آلدِر و همکاران (۲۰۱۷) این پرسش‌نامه از پایایی بسیار بالایی هم برای ادراک مردان از ازدواج خودشان ($\alpha=92$) و هم برای ادراک زنان از ازدواج خودشان ($\alpha=92$) برخوردار بوده است. از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. در این تحقیق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بوده است.

رضایت از ازدواج^۳: این پرسش‌نامه توسط باسبی و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده و شامل هفت آیت می‌شود که هفت بعد روابط زناشویی را می‌سنجد و رضایت زناشویی نامیده شده است. از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که هر کدام از هفت بعد ارتباط (مثل صمیمیت جنسی، کیفیت تبادل و ارتباط، زمان‌های با هم گذراندن) را در یک مقیاس لیکرتی در دامنه‌ای بین کاملاً ناراضی (۱) تا کاملاً راضی (۵) درجه‌بندی کنند. نمره بالاتر نشانه رضایت بیشتر است. در تحقیق باسبی و همکاران (۲۰۰۱) این ابزار از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بوده است. در تحقیق آلدِر و همکاران (۲۰۱۷) نیز این ابزار از پایایی بالایی ($\alpha=90$) برخوردار بوده است. از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. در این تحقیق آلفای کرونباخ آن ۰/۷۲ گزارش شده است.

پرسش‌نامه فرم کوتاه الگوهای ارتباطی^۴: این پرسش‌نامه نسخه کوتاه پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی است که متشکل از ۱۱ ماده می‌باشد که توسط کریستین سنوهوی، در سال (۱۹۹۰، ۱۹۹۳) ساخته شده است. نمره‌گذاری آن به‌صورت طیف لیکرتی ۹ درجه‌ای (۱ = بسیار بعید، ۹ = بسیار محتمل) می‌باشد. نمرات بالاتر در هر خرده مقیاس نشانگر احتمال استفاده از این الگوی ارتباطی در تعامل‌های درگیری است. ۶ گویه به بررسی الگوهای تعامل مکمل بین زوجین و ۵ گویه به بررسی الگوهای تعاملی متقارن می‌پردازد. الگوهای مکملی بدین صورت است که یکی از زوجین بحث می‌کند و دیگر اجتناب می‌کند، یکی از زوجین تقاضا می‌کند و دیگری کناره‌گیری می‌کند، یکی از زوجین انتقاد و دیگری دفاع می‌کند. به‌طور کل سوالات خرده‌مقیاس‌ها به‌صورت زیر است: تقاضای زن/کناره‌گیری مرد (سوالات ۳ و ۸ و ۱۰)، تقاضای مرد/کناره‌گیری مرد (سوالات ۴ و ۹ و ۱۱)، تقاضا/کناره‌گیری کل (۳ و ۴ و ۸ و ۱۱)، تعامل مثبت کل

- 1 . Attachment Behaviors
- 2 . perception of parents' marriage
- 3 . Marital Satisfaction
- 4 . Communication patterns questionnaire – short form

(مجموع سوالات ۲ و ۵ و ۷). در این تحقیق نمرات طوری جمع‌بندی شده که نمره پائین‌تر نشانه الگوی سازنده‌تر است. تحقیقات پایایی و روایی بالایی را برای این ابزار گزارش کرده‌اند (فوتریس و همکاران، ۲۰۱۰). از آنجا که این پرسش‌نامه برای اولین بار در ایران ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های روان‌سنجی داخلی برای آن موجود نیست. آلفای کرونباخ برای مقیاس کل در این پژوهش ۰/۶۵ گزارش شده است.

یافته‌ها

در قسمت یافته‌ها، قبل از هر چیز به اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به آزمودنی‌ها اشاره می‌شود. در این قسمت، جنسیت، سن ازدواج، تعداد فرزندان، تحصیلات و درآمد ذکر شده است.

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به آزمودنی‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی (N=۴۰۰)

مولفه	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۱۹۹	۵۰/۳
	مرد	۲۰۱	۴۹/۸
سن ازدواج	زیر ۲۰ سال	۱۱۷	۲۹/۲۵
	۲۱ تا ۲۵ سال	۱۵۳	۳۸/۲۵
	۲۶ تا ۳۰ سال	۱۱۷	۲۹/۲۵
	۳۰ سال به بالا	۱۳	۳/۲۵
تعداد فرزند	۰	۱۲۴	۳۱/۰
	۱	۱۰۲	۲۵/۵
	۲	۱۲۹	۳۲/۳
	۳	۴۵	۱۱/۳
تحصیلات	زیر دیپلم	۹۸	۲۴/۵
	دیپلم	۷۳	۱۸/۳
	کارشناسی	۱۶۰	۴۰/۰
	کارشناسی ارشد	۵۹	۱۴/۸
درآمد	دکتری	۱۰	۲/۵
	کم	۱۱۴	۲۸/۵
	متوسط	۲۳۲	۵۸/۰
	بالاتر از متوسط	۵۳	۱۳/۳
	زیاد	۱	۰/۳

توضیحات زیر جدول تعداد نمونه‌های این پژوهش ۴۰۰ نفر می‌باشد که ۱۹۹ نفر آنها خانم و ۲۰۱ نفر آنها آقا می‌باشند. تحصیلات: بیشترین و کمترین فراوانی.

در جدول ۲ شامل همبستگی ادراک فرد از ازدواج والدین، ادراک از ازدواج خود، رضایتمندی از ازدواج، دلبستگی، رویدادهای ناگوار کودکی و الگوهای تبادل می‌باشد.

جدول ۲: همبستگی متغیرهای حاضر در پژوهش (N=۴۰۰)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. ادراک فرد از ازدواج والدین	۱					
۲. ادراک از ازدواج خود	۰/۳۷۶**	۱				
۳. رضایت‌مندی از ازدواج	۰/۲۵۱**	۰/۴۷۹**	۱			
۴. دلبستگی	۰/۰۵۰	-۰/۳۱۳**	-۰/۵۶۶**	۱		
۵. رویدادهای ناگوار کودکی	-۰/۰۵۵	-۰/۱۶۱**	-۰/۱۹۹*	۰/۱۷۱**	۱	
۶. الگوهای تبادل	-۰/۰۹۱	-۰/۲۵۵**	-۰/۳۸۴**	۰/۴۱۸**	۰/۰۵۷	۱

** سطح اطمینان در ۰/۰۱ و * سطح اطمینان در ۰/۰۵ می‌باشد.

باتوجه به نتایج جدول شماره ۲ ادراک فرد از ازدواج والدین و ادراک از ازدواج خود و همچنین رضایت‌مندی از ازدواج به ترتیب ۱- ۰/۳۷۶ - ۰/۲۵۱ که نشانگر معناداری و مثبت بودن رابطه می‌باشد و ادراک فرد از ازدواج خود با دلبستگی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته ۰/۰۵۰ همچنین رابطه رویدادهای ناگوار کودکی با ادراک از ازدواج خود رابطه منفی و معناداری وجود داشته است ۰/۰۵۵ و در نهایت رابطه ادراک از ازدواج خود و الگوهای تبادل نیز به این صورت می‌باشد ۰/۰۹۱ که نشانگر وجود رابطه منفی و معنادار است.

جدول ۳ شامل نتیجه رگرسیون متغیرهای کلی پژوهش می‌باشد.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر اساس متغیرهای ملاک

مدل	R	R ²	Adjusted R ²	F	Sig
۱	۰/۲۹۸	۰/۰۸۹	۰/۰۷۸	۸/۷۱۷	۰/۰۰۰

همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، متغیرهای پیش‌بین قادر به پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج می‌باشند و ۰/۰۷ درصد از واریانس رضایت‌مندی زناشویی بر مبنای رفتار دلبستگی، الگوهای تبادل، تجربیات ناگوار کودکی و ادراک از ازدواج والدین قابل پیش‌بینی می‌باشد.

در جدول ۴ شامل خلاصه اطلاعات رگرسیونی متغیرهای پژوهشی جهت پیش‌بینی از رضایت‌مندی از ازدواج می‌باشد.

جدول ۴. خلاصه اطلاعات تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر اساس متغیرهای پیش‌بین

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	STE	Beta	t	Sig
رضایت‌مندی از ازدواج	مقدار ثابت	۳۰/۸۹۸	۲/۰۲۲		۱۵/۲۸۴	۰/۰۰۰
	رفتار دلبستگی	-۰/۱۳۸	۰/۰۵۲	-۰/۱۳۵	-۲/۶۵۲	۰/۰۰۸
	الگوهای تبادل	-۰/۰۳۳	۰/۰۲۲	-۰/۰۷۱	-۱/۳۷۸	۰/۱۶۹
	تجربیات ناگوار کودکی	-۰/۴۹۸	۰/۲۵۸	-۰/۰۹۷	-۱/۹۲۸	۰/۰۵۵
	ادراک از ازدواج والدین	۰/۳۹۱	۰/۰۸۷	۰/۲۲۹	۴/۴۹۴	۰/۰۰۰

همان‌طوری که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، از بین چهار متغیر رفتار دلبستگی، الگوهای تبادل، تجربیات ناگوار کودکی و ادراک از ازدواج والدین، دو متغیر رفتار دلبستگی و ادراک از ازدواج والدین توانسته است رضایت‌مندی از ازدواج را پیش‌بینی کند. متغیر رفتار دلبستگی ($\beta = -0/135$ ، $t = -2/265$) به صورت منفی و معنی‌دار و همچنین ادراک از ازدواج والدین ($\beta = 0/229$ ، $t = 4/494$) به صورت مثبت و معنی‌دار قادر به پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بودند.

نتایج

هدف از این پژوهش، پیش‌بینی رضایت‌مندی از ازدواج بر مبنای تجربیات ناگوار کودکی، رفتارهای دلبستگی، الگوهای تبادل و ادراک از ازدواج والدین در زوجین بود. یافته اول پژوهش نشان داد که تجربیات ناگوار کودکی با رضایت‌مندی از ازدواج رابطه منفی و معناداری دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که شدت سوءرفتارهای دوران کودکی با رضایت‌مندی از ازدواج مرتبط است. این یافته با یافته‌های باربری و شارف (۲۰۱۲) هم‌خوانی دارد. به‌علاوه، در پژوهش سندی-ان ماری گریفیت (۲۰۱۸) تحت عنوان رابطه تجربیات ناگوار کودکی با سلامت روابط زناشویی افراد بزرگسال، این نتیجه تأیید شد که شیوع تجربیات ناگوار کودکی تأثیر مستقیمی بر رضایت زناشویی و همچنین بر سلامت داشته است. علاوه بر این، اکثر افرادی که در کودکی تجربه ناگواری داشته‌اند در روابط عاشقانه خود احساس ناراحتی می‌کردند و در نهایت به نابودی خانواده منجر شده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، از آنجا که تجربیات ناگوار کودکی باعث افزایش خطاهای شناختی می‌شود و افراد دارای چنین تجربیاتی در یک یا چند حیطه مشکلات شناختی دارند (مکلین و همکاران، ۲۰۱۶). آنها حتی قادر به پاسخ درست و استفاده از مقابله‌های سازگاران در شرایط پرسترس نیستند. بنابراین، در هنگام مشکلات زناشویی، هم ممکن است دچار خطاها و تحریف‌های شناختی شده و هم ممکن است قادر به پاسخ‌های سازگاران نباشند. در نتیجه این آسیب در پردازش شناختی اتفاقات می‌تواند بر نوع تعامل و متقابلاً کیفیت روابط زناشویی تأثیر بگذارد.

یافته دوم پژوهش نشان داد که بین رضایت‌مندی از ازدواج و رفتارهای دلبستگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های حاضر در این زمینه با یافته‌های پژوهش رینر بنسن (۲۰۰۴) همسو است. طوری که نشان می‌دهد رضایت‌مندی از رابطه در زوج‌های متاهل می‌تواند متأثر از نوع دلبستگی به شریک عشقی، سبک دلبستگی زوج و ترکیب آنها باشد. در پژوهشی دیگر (فینی، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹) محققان به این نتیجه رسیدند که بین سبک دلبستگی ناامن و رضایت از ارتباط رابطه وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، از آنجا که در این پژوهش منظور از رفتار دلبستگی، سه رفتار دسترس‌پذیری، پاسخ‌گویی و تعهد می‌باشد، انتظار می‌رود که با افزایش این سه رفتار رضایت‌مندی از ازدواج نیز بالاتر برود. طبق نظر بالبی، وجود دسترس‌پذیری و پاسخ‌گویی باعث ایجاد حس ایمنی و آسایش در ارتباط می‌شود و وقتی که امنیت و آسایش در رابطه افزایش بیابد، باعث افزایش رضایت از رابطه شده و نارضایتی از ارتباط کاهش می‌یابد. دسترس‌پذیری بدین معنی است که نماد دلبستگی در موقع نیاز موجودیت دارد. این موجودیت یکی از عوامل اساسی در رابطه زناشویی است. در رابطه زناشویی انتظار بر این است که زوجین در مواقع نیاز در دسترس همدیگر باشند. صرف اینکه زوجین فکر کنند که در مواقع نیاز فردی وجود دارد که فرد می‌تواند به وی رجوع کند، این خود باعث آرامش زوجین می‌شود. پاسخ‌گویی نیز به معنی توجه به نیازهایی است که شریک در پی ارضاء آنها می‌باشد. در دسترس بودن کافی نیست، بلکه در کنارش زوجین باید در مواقع نیازهای جسمانی و روانی پاسخ‌گویی هم باشند. وقتی میزان این پاسخ‌گویی به موقع و مناسب است، این باعث افزایش رضایت‌مندی می‌باشد، زیرا که در زوجین ناسازگار، طرفین در مواقع ضروری، یا نیازهای همدیگر را نادیده می‌گیرند یا بدان نیازها پاسخ نمی‌دهند. تعهد نیز نوعی فرایند ارتباطی پرورش‌دهنده و آرامش‌دهنده است که در زمان آشفتگی و نیازمندی شریک به رابطه رخ می‌دهد. در نتیجه، سه مولفه مهم و کلیدی دسترس‌پذیری، پاسخ‌گویی و تعهد، به‌عنوان مولفه‌های اصلی خلق دلبستگی ایمن در نظر گرفته می‌شوند (جانسون، ۲۰۰۴) و وجود آنها باعث افزایش رضایت‌مندی از ازدواج می‌شود.

یافته‌های سوم پژوهش نشان داد که بین رضایت‌مندی از ازدواج و الگوهای تبادل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در پژوهشی توسط پترسون (۱۹۷۳)، کالین و ونگلیستی (۲۰۰۰)، تورل و دیگران (۲۰۰۴)، نیز مشخص شد که یکی از عوامل رضایت زناشویی، الگوهای ارتباطی است. مدهی، صمدزاده و جوادی (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که یکی از عوامل رضایت زناشویی، انواع الگوهای ارتباطی بین زوجین است. یعنی هرچه الگوهای تبادل به صورت سازنده و متقابل تر باشد، رضایت بالاتر می‌رود. در الگوهای سازنده و متقابل، زوجین در هنگام بحث از خودشان دفاع نمی‌کنند، دیگری را سرزنش نمی‌کنند، از بحث کناره‌گیری نمی‌کنند و سعی می‌کنند هیجان‌ات و افکار خود را به صورت شفاف و باز مطرح کنند و ترسی از طرد شدن یا پذیرفته نشدن از سوی طرف مقابل ندارند. در صورتی که در سبک‌های تعاملی غیرسازنده، سکوت و دفاع و انتقاد و سرزنش و کناره‌گیری وجود دارد. بنابراین، با وصف ویژگی‌های تبادل سازنده، انتظار می‌رود که وجود چنین خصیصه‌هایی باعث افزایش رضایت از ازدواج شود.

یافته چهارم پژوهش نشان داد که بین ادراک از ازدواج والدین و رضایت‌مندی از ازدواج رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این با یافته آلدِر و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. آنها بدین نتیجه رسیدند که ادراک فرد از ازدواج والدین با رضایت زناشویی آتی فرزندان رابطه دارد. ضمناً، تحقیق استراید و همکاران (۲۰۱۵) نشان داده که خانواده مبدا بر روابط بزرگسالان تأثیر معنی‌داری دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد در پی بازآفرینی و بازخلق زندگی گذشته خود هستند. ما معمولاً همان الگوهایی را در زندگی آتی خود تکرار می‌کنیم که قبلاً در تعامل بین والدین‌مان آموخته‌ایم. مطابق تحقیق آماتو و باس (۲۰۰۱) می‌توان گفت وقتی فردی شاهد تعارض خانواده مبدا و هم وضعیت زناشویی والدین خود است، انتظار می‌رود که این امر تعارض رضایت زناشویی بعدی وی را پیش‌بینی کند. پس بنابراین، مشاهده الگوهای رفتاری مثبت و سازنده بین والدین، طبیعتاً این ذهنیت مثبت را پیش می‌آورد که «روابط والدین من مثبت و خوشایند بوده است». این ذهنیت بعداً به زندگی آتی فرد سرایت کرده و همین سوگیری شناختی مثبت می‌تواند باعث خوش‌بینی بیشتر و اسنادهای زناشویی مثبت‌تری شود که این باعث رضایت از ارتباط می‌شود. کیفیت روابط موجود بین والدین، نقش بزرگی در سازگاری بعدی کودکی و زندگی مشترک او دارد.

در مورد یافته رگرسیون نیز باید گفت که ادراک فرد از ازدواج والدین مهم‌ترین پیش‌رضایت زناشویی بود و بعد از آن رفتار دلبستگی توان پیش‌بینی‌کنندگی رضایت زناشویی را در سطحی کمتر از ادراک فرد از ازدواج والدین دارا بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که متغیر شناخت و ادراک و باورهای فرد می‌تواند یکی از عوامل مهم در رضایت از ازدواج باشند؛ باورهایی که از همان کودکی و در تعامل فرد با والدین شکل می‌گیرند. این باورها آنقدر قدرتمند هستند که وقتی ادراک فرد از ازدواج والدینش مثبت باشد، این می‌تواند مهم‌ترین عامل پیش‌بینی رضایت بعدی وی در ازدواج باشد. این ادراک می‌تواند باعث اسنادهای ارتباطی خوش‌بینانه‌تری شود و همچنین فرد را در برابر خطاهای شناختی مصون بدارد که در نتیجه باعث افزایش رضایت می‌شود. حتی رفتار دلبستگی که بعد از ادراک از ازدواج والدین دومین عامل پیش‌بین رضایت زناشویی بود، می‌تواند تحت تأثیر ادراک فرد قرار گیرد. وقتی ادراک فرد از رابطه مثبت باشد، وی احساس ایمنی خواهد کرد و در مواقع نیاز در دسترس همسرش خواهد بود و به نیازهای وی پاسخ می‌گوید و این در نهایت رضایت را افزایش می‌دهد.

این پژوهش همچون تمام پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. اولین محدودیت اینکه بسیاری از ابزارهای این پژوهش برای اولین بار توسط محققان این پژوهش به فارسی برگردانده شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بنابراین نیاز به بررسی دقیق ویژگی‌های روان‌سنجی دارند. ضمناً، بعضی از این پرسشنامه‌های خود گزارشی مستلزم استفاده از حافظه بلندمدت و یادآوری خاطرات گذشته بوده و این ممکن است باعث سوگیری حافظه در فراخوانی اطلاعات قبلی شود. جامعه این پژوهش ترکیبی از زنان و مردان بوده است و پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی متغیر جنسیت به صورت خاص و دقیق‌تری مد نظر قرار گیرد. در نهایت، مطابق با یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود برای افزایش رضایت زناشویی قبل از هر چیز در پی آن باشیم که رضایت خانواده‌ها را بالا ببریم؛ خانواده‌هایی که همین فرزندان از آن برمی‌خورند و بعداً خودشان ازدواج می‌کنند. پس، آموزش به خانواده‌ها برای بهبود مهارت‌های تعاملی آنها و برقراری روابط سازنده می‌تواند عاملی مهمی در ادراک آتی فرد داشته باشد. به خانواده‌ها باید آموزش داده

شود که طوری فرزندان خودشان را به بار بیاورند که این فرزندان احساس امنیت و آرامش کنند و اضطراب جدایی به آنها دست ندهند، چون این ناامنی بنیادی باعث می‌شود که بعداً فرزندان دارای سبک دلبستگی ناایمن شده و رضایت زناشویی آنها به خطر بیفتد.

منابع

۱. عطاری، علی (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی-خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱، ص ۸۱-۱۰۸
۲. یوسفی، سجاده؛ مرادی، مرتضی و تیشه وردایم، محمد کاظم (۱۳۸۹). نقش تعهد سازمانی کارکنان در تسهیم دانش، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ۷، شماره ۳۰، صفحات ۲۳-۳۶.
3. Anda, R. F., Felitti, V. J., Bremner, J. D., Walker, J. D., Whitfield, C. H., Perry, B. D., ... & Giles, W. H. (2006). The enduring effects of abuse and related adverse experiences in childhood. *European archives of psychiatry and clinical neuroscience*, 256(3), 174-186.
4. Bowlby, J. (1969). Disruption of affectional bonds and its effects on behavior. *Canada's MentalHealth Supplement*, 59, 12-12.
5. Bradbury, L. L., & Shaffer, A. (2012). Emotion dysregulation mediates the link between childhood emotional maltreatment and young adult romantic relationship satisfaction. *Journal of Aggression, Maltreatment and Trauma*, 21, 497-515. <http://dx.doi.org/10.1080/10926771.2012.678466>
6. Christensen A, Eldridge KA, Catta-Preta AB, Lim VR, Santagata R. Cross-cultural consistency of the demand-withdraw interaction pattern in couples. *Journal of Marriage and Family*. 2006; 68:1029-1044.
7. Cohen, S., Schulz, M. S., Weiss, E., & Waldinger, R. J. (2012). Eye of the beholder: The individual and dyadic contributions of empathic accuracy and perceived empathic effort to relationship satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 26, 236-245. <http://dx.doi.org/10.1037/a0027488>, pii: 2012-05104-001
8. DiLillo, D., Peugh, J., Walsh, K., Panuzio, J., Trask, E., & Evans, S. (2009). Child maltreatment history among newlywed couples: A longitudinal study of marital outcomes and mediating pathways. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 77(4), 680-692. <http://dx.doi.org/10.1037/a0015708>
9. Ebrahimi, E., & Ali Kimiaei, S. (2014). The study of the relationship among marital satisfaction, attachment styles, and communication patterns in divorcing couples. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55(6), 451-463.
10. Eldridge, KA.; Christensen, A. Demand-withdraw communication during couple conflict: A review and analysis.. In: Noller, P.; Feeney, J., editors. *Understanding marriage: Developments in the study of couple interaction*. Cambridge University Press; Cambridge, UK: 2002. p. 289-322.
11. Futris, T. G., Campbell, K., Nielsen, R. B., & Burwell, S. R. (2010). The Communication patterns questionnaire-short form: a review and assessment. *The Family Journal*, 18(3), 275-287.
12. Hughes, K., Bellis, M. A., Hardcastle, K. A., Sethi, D., Butchart, A., Mikton, C., ... & Dunne, M. P. (2017). The effect of multiple adverse childhood experiences on health: a systematic review and meta-analysis. *The Lancet Public Health*, 2(8), e356-e366
13. Johnson, S. M. (2004). *The practice of emotionally focused couple therapy: Creating connection* East Sussex, UK: Brunner-Routledge.
14. Johnson, S. M., & Williams-Keeler, L. (1998). Creating healing relationships for couples dealing with trauma: The use of emotionally focused marital therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 24(1), 25-40. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1998.tb01061.x>
15. Knapp, D. J., Sandberg, J. G., Novak, J., & Larson, J. H. (2015). The mediating role of attachment behaviors on the relationship between family-of-origin and couple communication: Implications for couples therapy. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 14(1), 17-38. <https://doi.org/10.1080/15332691.2014.953650>
16. Malis RS, Roloff ME. Demand-withdraw patterns in serial arguments: Implications for well-being. *Human Communication Research*. 2006; 32:198-216.
17. Meagan C. Alder, Jeremy B. Yorgason, Jonathan G. Sandberg & Stephanie Davis (2017): Perceptions of Parents' Marriage Predicting Marital Satisfaction: The Moderating Role of Attachment Behaviors, *Journal of Couple & Relationship Therapy*, DOI: 10.1080/15332691.2017.1372834

18. Michael E, Spiegel A. Parental conflict and intimacy: Do our perceptions influence the formation of personal relationship? *Colgate Univ J Sci.* 147-56
19. Morris MH, West C. Post-divorce conflict and avoidance of intimacy. *J Divorce Remarriage.* 2001; 35: 93-105.
20. Oladeji, B. D., Makanjuola, V. A., & Gureje, O. (2010). Family-related adverse childhood experiences as risk factors for psychiatric disorders in Nigeria. *The British Journal of Psychiatry,* 196(3), 186-191.
21. Rosenbaum A, O'Leary K. Children: The unintended victims of marital violence. *American Journal of Orthopsychiatry* 1981;51(4):692–699. [PubMed: 7294173]
22. Sandberg, J. G., Busby, D. M., Johnson, S. M., & Yoshida, K. (2012). The Brief Accessibility, Responsiveness, and Engagement (BARE) Scale: A tool for measuring attachment behavior in couple relationships. *Family Process,* 51(4), 512–526. <https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2012.01422.x>
23. Sandberg, J. G., Novak, J. R., Davis, S. Y., & Busby, D. M. (2016). The brief accessibility, responsiveness, and engagement scale: A tool for measuring attachment behaviors in clinical couples. *Journal of Marital and Family Therapy,* 42(1), 106–122. <https://doi.org/10.1111/jmft.12151>
24. Sandy-Ann M. Griffith (2018)., THE RELATIONSHIP BETWEEN CHILDHOOD ADVERSITY AND ADULT RELATIONSHIP HEALTH FOR ECONOMICALLY MARGINALIZED, RACIALLY AND ETHNICALLY DIVERSE INDIVIDUALS, Old Dominion University.
25. Shoham, V.; Rohrbaugh, MJ. Brief strategic couple therapy.. In: Gurman, AS.; Jacobson, NS., editors. *Clinical handbook of couple therapy.* 3rd ed.. Guilford Press; New York: 2002. p. 5-25.
26. SHONDA M. CRAFT and JULIANNE M. SEROVICH. Family-of-Origin Factors and Partner Violence in the Intimate Relationships of Gay Men Who Are HIV Positive
27. Shonkoff, J. P. (2016). Capitalizing on advances in science to reduce the health consequences of early childhood adversity. *JAMA pediatrics,* 170(10), 1003-1007.
28. Silvia Donato*, Miriam Parise, Ariela F. Pagani, Anna Bertoni, Raffaella Iafrate. Demand-Withdraw, Couple Satisfaction And Relationship Duration
29. Stride, C. B., Gardner, S., Catley, N., & Thomas, F. (2015). "Mplus code for the mediation, moderation, and moderated mediation model templates from Andrew Hayes" PROCESS analysis examples'. Retrieved October 11, 2016, from <http://www.offbeat.group.shef.ac.uk/FIO/mplusmedmod.htm>.
30. Abbas, J., Aqeel, M., Abbas, J., Shafer, B., Jaffar, A., Sundas, J., & Zhang, W. (2019). The moderating role of social support for marital adjustment, depression, anxiety, and stress: Evidence from Pakistani working and nonworking women. *Journal of affective disorders,* 244, 231-238.

Predicting Marriage Satisfaction Based on adverse Childhood Experiences, Attachment Behaviors, Exchange Patterns, and Perceptions of Parental Marriage in Couples

Ahmad Reza Kiani¹, Mahmood Mohammadi Razi²

1. Ph.D. in Counseling, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili (Corresponding Author)
a.kiani@uma.ac.ir
2. MSc of School Counseling, University of Mohaghegh Ardabili
mahmudmohamadi00@gmail.com

Abstract:

The purpose of this study was to predict marital satisfaction based on adverse childhood experiences, attachment behaviors, exchange patterns, and perceptions of parental marriage in couples. This was a descriptive correlational study. The tools of this study were ACEs childhood adverse experiences, attachment behaviours, parental marriage perception, marital satisfaction, and a short communication form questionnaire which was administered to 400 subjects (200 couples) in Bojnourd city using SPSS software. Because the population was large and no information was available from all of these individuals, multi-stage cluster sampling was used. Results: Findings showed that one's perception of parental marriage and perception of one's own marriage as well as one's satisfaction with marriage was significant and positive. There was a significant and positive relationship between one's perception of marriage and attachment, as well as a negative and significant relationship between childhood adversity and one's own perception of marriage, and finally, the relationship between perceptions of marriage and exchange patterns showed a negative and meaningful relationship. Conclusion: It can be concluded from this study that adverse childhood experiences, attachment behaviors, exchange patterns, and perceptions of parental marriage are good predictors of marital satisfaction.

Keywords: Marriage Satisfaction, Adverse Childhood Experiences, Attachment, Exchange Patterns and, Perceptions